



مهاجرت و مرزهای بشردوستانه؛ نقض حقوق بشر به نام حقوق بشر در اتحادیه اروپا



دکتر مجتبی مقصودی*

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

پناهندگی و مهاجرت و آثار و پیامدهای آن از جمله واقعیات و معضلات جهان معاصر است. در این میان، مرزهای بشردوستانه مفهومی بدیع و تازه در نظام بین‌الملل است که ناظر بر برخی تلاش‌ها برای کاستن از آلام و رنج‌های مهاجران در مرزها، به ویژه مرزهای اتحادیه اروپاست که این اقدام در عمل نتوانسته است حقوق پناهجویان را تأمین و در سایه منافع امنیتی اتحادیه اروپا رنگ باخته است. در همین ارتباط سوال اصلی مقاله این است که تمهید مرزهای بشردوستانه از سوی اتحادیه اروپا تا چه توانسته است حقوق اولیه و بدیهی مهاجرین و پناهندگان را تأمین نماید؟ فرضیه پژوهش نیز بدین گونه طراحی شده است که؛ سیاست‌ها و اقدامات بشردوستانه مرزی در اتحادیه اروپا که منطقی باید درد و رنج مهاجرین و پناهندگان را تسکین دهند، بیش از رعایت الزامات حقوق بشری تحت تأثیر ملاحظات سیاسی بوده و در عمل به بخشی از ابزار توجیه انواع و اقسام خشونت‌ورزی در مرزهای اتحادیه تبدیل شده است. این مقاله در چارچوب رویکردی هنجاری-توصیفی با بهره‌گیری از روش کیفی مبتنی بر ادبیات مرزهای بشردوستانه ضمن بررسی این فرایند نشان می‌دهد که تأکید بر رویه‌ها و مؤلفه‌های امنیت انسانی به جای امنیت ملی و دولتی می‌تواند چارچوب مطلوبی برای به ثمر نشاندن مرزهای بشردوستانه باشد. موضوع این امنیت، حیات و کرامت انسانی و غایت آن، محافظت از بنیادهای اصلی حیات نوع بشر در مقابل تهدیدهای فراگیر و تأمین مصالح درازمدت زندگی انسان‌های پناهنده و مهاجر است.

کلیدواژگان

مرزهای بشردوستانه، مرزسازی، اتحادیه اروپا، امنیت انسانی، مهاجرت، پناهندگی

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل:

mojtaba.maghsoudi@iauc.ac.ir

مقدمه

مفهوم «مرزهای بشردوستانه»^۱ نخستین بار توسط ویلیام والترز تدوین و معرفی گردید. این مفهوم ناظر بر تلاش‌های بشردوستانه برای مدیریت بحران پناهندگان و مهاجران در مرزهای اروپاست (Walters, 2010: 146). اما آیا بشردوستی مندرج در مفهوم مرزهای بشردوستانه از سوی اتحادیه اروپا اخلاقی، غیرجانبدارانه و معطوف به کاهش آلام و رنج‌های مهاجرین و پناهندگان است؟ تحقیقات نشان می‌دهد که مداخلات انسان دوستانه‌ای که تحت مفهوم «مرزهای بشردوستانه» و به ظاهر با هدف حفظ جان انسان‌ها صورت می‌پذیرد همزمان تلاش بر پوشاندن خشونت در مرزها نیز دارد و در عمل آنچه که تحت عنوان انسان دوستی از آن یاد می‌شود، یک اقدام خیرخواهانه برای نجات انسان‌ها نیست، بلکه به سمت ساختارهای قدرت با تأثیرات سیاسی شیب دارد. لذا در فضای اجتماعی شکل گرفته تحت مفهوم مرزهای بشردوستانه، دست حاکم با دست‌های دلسوز قابل تشخیص نیست و عملاً هر سیاستی که اتخاذ می‌شود و هر اقدام کمکی که صورت می‌پذیرد، همزمان ابزار کنترلی برای ذینفعان آنست. به‌علاوه همان‌گونه که فاسین (۲۰۱۲) استدلال می‌کند سیاست شفقت، جزیی از سیاست نابرابری است و کشورهای ایجادکننده مرزهای بشردوستانه در عین ابراز همدردی با مهاجران و پناهجویان، با خطاب قرار دادن آنها به عنوان «دیگری» امتیازات برتری طلبانه خود را در رابطه با آنان تثبیت می‌کنند.

این مقاله با اتخاذ رویکرد هنجاری- توصیفی با بهره‌گیری از روش کیفی و با تمرکز بر ادبیات مرزهای بشردوستانه، این فرضیه را مطرح می‌سازد که سیاست‌ها و اقدامات بشردوستانه، حداقل ذیل مفهوم مرزهای بشردوستانه، که باید درد و رنج مهاجرین و پناهندگان را تسکین دهند، بضا سیاسی بوده و در عمل به بخشی از ابزار توجیه انواع و اقسام خشونت‌ورزی در مرزها تبدیل می‌شوند.

۱- پیشینه

هرچند مفاهیمی چون «مداخلات بشردوستانه» که نخستین بار آن را پرفسور روژیه آدر سال ۱۹۱۰ مطرح و نمونه‌هایی مانند مداخله فرانسه در لبنان به هنگام کشتار مارونی‌ها در سال ۱۸۶۰ به عنوان مصادیق ارائه شد (راعی، ۱۳۸۲: ۶۰)؛ (Raie, 2003: 60). یا آنجا که همزمان با تأسیس صلیب سرخ و تصویب اولین کنوانسیون ژنو موضوع کمک‌های بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سال ۱۹۸۴ مطرح و نهادینه شد دارای سابقه‌ای طولانی‌اند؛ اما مفهوم «مرزهای بشردوستانه» مفهومی بدیع و نوظهور در عرصه نظام بین‌الملل است که ظهور و بروزش را پیش و بیش از همه مرهون مقاله ویلیام والترز با عنوان «فوکو و مرزها: یادداشت‌هایی درباره تولد مرزهای بشردوستانه»^۲ است

^۱. Humanitarian Borders

^۲. Rougier

^۳. Foucault and frontiers: notes on the birth of the humanitarian border

که در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. او در این مقاله با نگاهی به تاریخچه و نحوه ظهور مرزهای بشردوستانه به واکاوی و معرفی مفهوم مرزهای بشردوستانه می‌پردازد (Walters, 2010: 138-164). بعد از انتشار این مقاله، چندین مقاله دیگر انگلیسی به بررسی و نقد این مفهوم پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به مقاله «پناهندگی به عنوان ذهنیت سیاسی: تجربه مرزهای بشردوستانه» اثر مشترک کالیو و همکارانش (۲۰۱۹) اشاره کرد که با تکیه بر ایده مرزهای بشردوستانه به دنبال تئوریزه‌سازی جغرافیای سیال آن هستند (Kallio, Häkli & Pascucci, 2019: 1258-1276). همچنین می‌توان به مقاله خانم مورنو لکس از دانشگاه مری کوئین لندن با عنوان «مرزهای بشردوستانه اتحادیه اروپا و امنیت حقوق بشر»^۱ (۲۰۱۸) اشاره کرد که به تقابل امنیت/ انسانی‌سازی در مرزهای دریایی اتحادیه اروپا می‌پردازد تا دگرگونی اساسی نقش حقوق بشر در دریای مدیترانه را ردیابی و نقد کند (Moreno-Lax, 2018: 119-140). خانم بندیکسون نیز با مطالعه موردی مرزهای نروژ در مقاله خود با عنوان «پیوند میان امنیت/مراقبت مرز بشردوستانه: کمک به بازگشت در نروژ»^۲ (۲۰۲۰) به نقد سیاست‌های اخراج و کمک به بازگشت به عنوان بخشی از سیاست‌های در حال انجام در مرزهای بشردوستانه می‌پردازد (Bendixsen, 2020: 108-122). اندکی پیشتر از این نیز تحقیقات، دیدیر فاسین،^۳ انسان‌شناس فرانسوی در مقاله خود با عنوان «انسان دوستی به مثابه یک سیاست زندگی»^۴ (۲۰۰۷) به انتقاد از عملکرد و مداخله بشردوستانه نابرابر و تبعیض آمیز سازمان پزشکان بدون مرز (در عراق) پرداخته و خواستار سیاست زندگی است که بتواند در بین انسان‌ها همبستگی را دوباره برقرار کند و به همه زندگی‌ها ارزش یکسانی بدهند (Fassin, 2007: 499-521).

کتاب «مسابقه بشردوستانه: آنجا که فرشتگان شجاعت گام برداشتن ندارند»^۵ (۲۰۱۱) مایکل برنت و توماس ویس نیز ضمن نام بردن از کمک‌های بشردوستانه ی معاصر به عنوان یک صنعت که در سال ۲۰۰۸ نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار درآمد داشته است، از سه دوره صنعت بشردوستی تحت عنوان دوره تولد (۱۹۴۵-۱۸۶۴)، دوره ساختارسازی (۱۹۸۹-۱۹۴۵) و دوره پس از جنگ سرد نام می‌برند. نویسندگان کتاب ضمن برشمردن موارد بی‌شمار ارتباط سازمان‌ها و کمک‌های

¹. Refugeeness as political subjectivity: Experiencing the humanitarian border

². The EU Humanitarian Border and the Securitization of Human Rights: The 'Rescue-Through-Interdiction/Rescue-Without- Protection' Paradigm

³. The Care/Security Nexus of the Humanitarian Border: Assisted Return in Norway

⁴. Didier Fassin

⁵. Humanitarianism as a Politics of Life

⁶. Humanitarianism Contested: Where Angels Fear to Tread

⁷. Michael Barnett

⁸. Thomas G. Weiss

بشردوستانه با منافع قدرت‌های امپریالیستی در بخش پایانی کتاب تأکید می‌کنند که سازمان‌های بشردوستانه بیش از هر زمان دیگری با نهادهای امنیتی و سازمان‌های نظامی ادغام شده‌اند و به نظر می‌رسد که حقوق بشر و نوع دوستی نسخه جدید هژمونی غرب باشد (Barnett, Weiss, 2011). میریام تیکتین و پائولو نواک نیز هر یک در آثار خویش بحران مرزی پناهندگان لیبیایی در جزیره لامپدوزا ایتالیا و تناقضات بشردوستانه و امنیتی‌سازی مرزها را مورد بررسی انتقادی قرار دادند (Ticktin, 2016: 255-271 & Novak, 2022: 1-23).

در آثار فارسی نیز موضوع مرزهای بشردوستانه مغفول است و بیشتر به مداخله بشردوستانه پرداخته شده؛ حتی در مقاله «موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت»، ایجاد شده در عنوان مقاله؛ به مبانی و حدود و ثغور مداخله بشردوستانه به ویژه از سوی شورای امنیت سازمان ملل پرداخته شده است (رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۳-۱۰۲)؛ (Rashidinezhad, 2007: 63-102).

۲- چارچوب مفهومی: مفهوم پناهندگی؛ از نوع دوستی تا حق اساسی بشری
در دنیای امروز که درگیری‌های فزاینده‌ای در آن وجود دارد، «پناهندگی» دیگر یک موقعیت استثنایی نیست چرا که «بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) تعداد پناهجویان، پناهندگان و آوارگان در سال ۲۰۲۲ به ۱۰۰ میلیون افزایش یافته؛ حال آنکه این رقم در سال ۲۰۲۱ حدود ۹۰ میلیون بوده است، که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند» (UNHCR: 2022). فیلیپو گراندی، کمیسر عالی سازمان ملل در امور پناهندگان^۴ ضمن ابراز تأسف نسبت به این روند و این آمار بر این نظر است که «این رکوردی است که هرگز نباید ثبت می‌شد. این باید به عنوان زنگ خطری برای حل و فصل و جلوگیری از درگیری‌های مخرب، پایان دادن به آزار و اذیت و رسیدگی به علل و زمینه‌ای باشد که مردم بی‌گناه را مجبور به ترک خانه‌های خود می‌کند» (UNHCR: 2022).

پناهندگی مفهومی برخاسته از لغت Asyl و مشتق از واژه یونانی Asylon است که به معنای سرپناه و امنیت است. این مفهوم، تاریخی بس دراز دارد و از زمان تمدن‌های باستان یونان و روم و ایران و در ادامه قرون وسطی و دوران رنسانس، در همه ادوار وجود داشته است، اما به طور خاص با تأسیس جامعه ملل و در ادامه با تشکیل سازمان ملل متحد به طور جدی در کانون مباحثات و دغدغه‌های بین‌المللی قرار گرفت و چارچوب حقوقی برای آن ترسیم گردید. به طوری که در سال

^۱. Miriam Ticktin & Paolo Novak

^۲. UN High Commissioner for Refugees, Filippo Grandi.

^۳. تنها در خصوص پناهندگان، بیش از نیمی از آنان را کودکان تشکیل می‌دهند.

^۴. UN High Commissioner for Refugees, Filippo Grandi

۱۹۲۱ و پس از تشکیل جامعه ملل، فریتوف نانسن^۱، دیپلمات نروژی به عنوان نخستین کمیسر امور آوارگان و پناهجویان در جامعه ملل انتخاب شد و توانست برنامه ای مشخص برای محافظت از پناهجویان را تدوین نماید که بر اساس آن، برای اولین بار رسیدگی به وضعیت پناهجویان و موضوع پناهندگی، از طریق هماهنگی های بین المللی ضرورت می یافت و از حوزه صرف تصمیم گیری کشورهای جداگانه خارج می شد (کیهانلو، ۱۳۹۰: ۲۷)؛ (Kayhanlou, 2011:27).

در ادامه با شکل گیری سازمان ملل متحد و پیدایش حقوق بین الملل معاصر، موضوع پناهندگی جایگاهی تازه پیدا کرد و اسناد و کنوانسیون های متعددی برای تعریف، تعیین موارد و بسط آن به تصویب رسید که ماحصل آن، تبدیل موضوع پناهندگی از مفهومی نوع دوستانه به حقی پایه ای برای پناهندگان بود. بدین سان اگر در گذشته، پذیرش پناهندگان تنها بر اساس آموزه های اخلاقی، سنت مهمان نوازی و تعالیم دینی صورت می گرفت، بر اساس اسناد مصوب جدید بین المللی، پناهندگی همچون حقی بشری که برای همه انسان ها معتبر بوده و هیچ مرجعی قادر به لغو یا بازپس گرفتن آن نیست، مورد توجه واقع گردید و انتظار می رود که قوانین کشورهای در تخالف یا تضاد با این حق قرار نگیرد. برخی از حقوقی که پناهندگان در سایه این کنوانسیون ها کسب می کنند عبارتند از؛ حق اخراج نشدن پناهجویان مگر در شرایط خاص؛ حق مجازات نشدن به خاطر ورود غیرقانونی به کشورهای امضاء کننده کنوانسیون ها، حق کار و اشتغال، سرپناه، تحصیل، استفاده از امکانات و خدمات عمومی، آزادی دین، دسترسی به دادگاه، جایجایی آزادانه در قلمرو کشور میزبان و حق داشتن مدارک هویت و اسناد سفر و ... (نک: به مواد کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷)؛ (See: 1951 Refugee Convention and 1967 Protocol).

آنچه از مواد این کنوانسیون ها بر می آید اینست که کرامت انسانی و حقوق اساسی فرد پناهنده و آواره باید از جانب کشور میزبان رعایت شود اما مروری بر اوضاع پناهندگان بویژه در مرزهای کشورهای اروپایی طی یکی دو دهه اخیر گویای آن است که داستان هر پناهجویی بیش از جوهر به خون آغشته است؛ داستانی که از یک سو با نام سوریه، افغانستان، سودان و سومالی و از سوی دیگر با نام کشورهای غربی گره خورده است. به نظر می رسد بر خلاف تمام ادعاها کشورهای غربی مبنی بر حمایت و تکریم حقوق بشر، دولت های غربی حقوق بشر و به تبع آن حقوقی چون حق پناهندگی را نه در حقوق طبیعی بلکه در قراردادهای انسانی و حقوق برآمده از آن جستجو می کنند. در ادامه چنین تفکری، حقوق بشر حقوقی موضوعی هستند که ابدی و ازلی نیستند و با تغییر شرایط می توانند از افراد سلب شده یا دوباره به آنان اعطا شوند. «نمود بارز چنین تفکری را می توان در مواجهه کشورهای غربی در برابر مهاجران و پناهندگان دید. آنجا که رئیس جمهور وقت مجارستان در جولای ۲۰۱۵ دستور ساخت حصار به ارتفاع ۴ متر و طول ۱۷۵ کیلومتر را در

^۱. Fridtjof Nansen

امتداد مرز خود با صربستان برای جلوگیری از عبور پناهجویان از سوریه، عراق و افغانستان از مرزهای ملی مجارستان اعلام کرد. همزمان با آن، پارلمان مجارستان قانون بحث برانگیزی را به تصویب رساند که اجازه بازداشت تمامی پناهجویان این کشور در اردوگاه‌ها و بازگرداندن آنها به صربستان را به پلیس این کشور می‌دهد» (De Lauri, 2018: 3-4). این اوضاع طی یک دهه گذشته، ادبیات جدیدی را در حوزه پناهندگی خلق کرده است که از آن تحت عنوان «مرزهای بشردوستانه» یاد می‌شود.

۳- تاریخچه مرزهای بشردوستانه

«مرزهای بشردوستانه» به مثابه تحولی بدیع در تاریخ مرز؛ محصول درهم تنیدگی ملاحظات امنیتی و انسان دوستانه است و پیرو بروز «بحران پناهندگان» شکل گرفت که علاوه بر کمک و ارائه خدمات بشردوستانه به مهاجران و پناهندگان دست نهادهای امنیتی و مرزی را برای واکنش مناسب باز می‌سازد (Dijstelbloem & Van der Veer, 209: 425).

ویلیام والترز مرزهای بشردوستانه را به مجموعه‌ای از رویه‌ها اطلاق می‌کند که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی با فرض نجات جان انسان‌ها به اقداماتی متوسل می‌شوند. او بیان می‌دارد که مرزهای بشردوستانه به جغرافیای خاصی محدود نمی‌شود (Walters, 2010: 146). این مفهوم از نظر توپولوژیکی به یک فضای ارتباطی که توسط سوژه‌های پناهنده تجربه می‌شوند، اشاره دارد. این فضای ارتباطی دربرگیرنده مقررات، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و روش‌هایی است که با هجوم پناهجویان در امتداد و حاشیه مرزهای دولت-ملت‌های میزبان پدیدار شده و به تکامل رسیده‌اند. کالیو و همکارانش، مرزهای بشردوستانه را بیشتر فضای اجتماعی‌در نظر می‌گیرند که در زمان و مکانی که حکومت کشور میزبان و پناهجویان با هم روبه‌رو می‌شوند و یا به عبارت دیگر رویارو می‌گردند، تشکیل می‌شود (Kallio, Häkli, & Pascuc, 2019: 3). این فرایند همراه با حرکتی است که مرزهای دولتی به ابزاری نظارتی در استراتژی‌های کنترل مهاجرت تبدیل می‌شوند (Walters, 2010: 138). این بخشی از یک روند بسیار گسترده‌تر است که به آن «مرزبندی مجدد» فضای سرزمین و سیاسی می‌گویند (Andreas and Biersteker, 2003).

نمونه کلاسیک این مرزهای بشردوستانه را می‌توان در رژیم مرزهای خارجی اتحادیه اروپا و در سواحل مدیترانه شاهد بود. به طور دقیق‌تر نخستین نمونه از این مرزها را میتوان در آنچه در ایتالیا تحت عنوان «اولین پذیرش»^۳ خوانده می‌شود جستجو کرد. این فرایند اگر چه در این کشور تحت

¹. Communication Space

². Social Space

³. Prima Accoglienza

عنوان «رژیم مرزی» نامیده نمی‌شود، اما نمونه‌ای از عملکرد مرزهای بشردوستانه است که قانوناً تحت مسئولیت اداره پلیس ایتالیا قرار دارد. توضیح آنکه در ژوئن سال ۲۰۰۷، طی بازدید برانسون مک کینلی^۱ مدیر کل وقت سازمان بین‌المللی مهاجرت از مرکز پذیرش مهاجران در جزیره لامپدوزا^۲ ایتالیا در دریای مدیترانه و در راستای پاسخگویی مکفی‌تر به نیازهای فوری قایق‌های لبریز از مهاجرینی که ناامیدانه خود را عمدتاً از لیبی به این جزیره می‌رسانند، طی یک بیانیه مطبوعاتی مقرر شد با همکاری نزدیک دولت ایتالیا، سازمان بین‌المللی مهاجرت، صلیب سرخ و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و سایر ارگان‌های مرتبط، برای ارائه پاسخ‌های بشردوستانه مناسب به مهاجران غیرقانونی و پناهجویانی که به این جزیره می‌رسند، همکاری گسترده‌تری صورت گیرد (Walters, 2010: 144). در این بیانیه مطبوعاتی صراحتاً عنوان شد که اقدام سازمان بین‌المللی مهاجرت با سایر ارگان‌ها بخشی از یک تلاش گسترده‌تر برای بهبود مدیریت «پذیرش» پناهندگان و نه بازداشت آنان است. بدینسان جزیره لامپدوزا نخستین جایی بود که «مرزهای بشردوستانه» در آن تبلور یافت.

لامپدوزا یک جزیره کوچک ایتالیایی در ۲۰۰ کیلومتری جنوب سسیل و ۳۰۰ کیلومتری شمال لیبی است که از سال ۲۰۰۴ به مقصد اصلی ورود قایق‌های حامل مهاجران از لیبی به اروپا تبدیل شده بود. طی آن سالها و تا پیش از بیانیه مطبوعاتی سازمان بین‌المللی مهاجرت، عمده مهاجرانی که با طی شرایط سخت و خطرناک وارد این جزیره می‌شدند، توسط پلیس مرزبانی ایتالیا بازداشت و به کمپ‌های اقامت و نگهداری موقت جزیره برده می‌شدند که این بازداشت آنان ممکن بود تا یک ماه یا بیشتر به درازا بیانجامد و پس از آن یا کمپ دیگری در سسیل برده می‌شدند یا اینکه تحت شرایط ناگوارتری به لیبی بازگردانده می‌شدند. تنها در یک نمونه از این موارد و در یک اقدام غیرانسانی اخراج دسته جمعی، در هفته اول اکتبر ۲۰۰۴ با استفاده از یک هواپیمای نظامی، بیش از هزار مهاجر از لامپدوزا به لیبی بازگردانده شدند (Walters, 2010: 145).

اقدامات دولت ایتالیا موضوع بررسی مداوم و اعتراض طیفی از سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌های مستقل، ارگان‌های بین‌المللی و گزارشگران بدون مرز بود. پس از بیانیه مطبوعاتی سازمان بین‌المللی مهاجرت، لامپدوزا قانونی شد برای ارائه کمک‌های بشردوستانه برای بسیاری از مهاجران خسته‌ای که پس از سفرهای خطرناک با قایق‌های ناایمن به این جزیره وارد می‌شدند. اما در این ماجرا، طرف و روی دیگری نیز وجود داشت و دارد که بیانیه سازمان بین‌المللی مهاجرت آن را بیان نمی‌کند و آن اینکه در مضمون بشردوستی مرزهای بشردوستانه، مداخله و کنترل به عنوان یک عمل خیر محافظت‌کننده مهاجران معرفی می‌شود. در واقع در چارچوب این کمک‌های بشردوستانه

^۱. Brunson McKinley

^۲. Lampedusa

است که ما با شرایطی روبه‌رو می‌شویم که در آن گسترش امنیتی‌سازی، استفاده از فناوری‌های نظارتی پیشرفته، افزایش گشت‌های دریایی، نگهبانان مسلح و سگ‌های نگهبان، برج‌های مراقبت، سیم‌های خاردار و... از نظر سیاسی ضروری و مشروع تلقی می‌شود. بدینسان والترز پرونده لامپدوزا را که مجموعه‌ای از رویدادهای متناقض «مراقبت همراه با تحقیر» را در یک اتحاد آشفته ترکیب می‌کند، تولد اراده مرزهای بشردوستانه می‌نامد. (Walters, 2010: 145) خوانش آگاهانه تر سیاسی، نگرش مرزهای بشردوستانه را به عنوان پاسخی برای تبلیغات منفی ایجاد شده علیه رژیم مرزی حاکم بر مرزهای اروپایی می‌داند. والترز چهار نکته را با هدف روشن شدن مفهوم مرزهای بشردوستانه ارائه می‌دهد (Walters, 2010: 146-147):

نخست اینکه؛ مرزهای بشردوستانه، روندی کلی و عمومی را به ما برای تغییر همه مرزها به دست دهد. مرزهای بشردوستانه نه مفهومی عام، بلکه خاص است و فقط در مکان‌های خاصی و تحت شرایط خاصی تحقق می‌یابد. مرزهای بشردوستانه فضاهای پیچیده‌ای هستند که آنها را می‌توان به خطوط گسل تشبیه کرد؛ جایی که جهان شمال و جنوب به شیوه‌ای ملموس اما ساینده با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند و شکاف‌های ثروت و فقر، شهروندی و غیرشهروندی، خودی و بیگانه به شدت نمایان می‌شود.

دوم اینکه؛ مرزهای بشردوستانه زمانی قابل درک است که در کنار دیگر سیاست‌ها و راهبردهای در حال انجام قرار گیرد. تبدیل برخی مناطق مرزی به مرزهای بشردوستانه تنها به این دلیل است که گذر از مرز برای بخش خاصی از جمعیت مهاجر جهان به موضوع مرگ و زندگی تبدیل شده است (Albahari, 2006). بدین ترتیب مرزهای بشردوستانه استراتژی خاص برخی از دولت‌هایی هستند که مرزهای آن با هجوم مهاجران و پناهجویان از جهان جنوب مواجه شده است.

سوم؛ مرزهای بشردوستانه ثابت نیستند، بلکه متغیر و سیالند. جغرافیای آن تا حدی توسط تغییر مسیرهای جهانی مهاجران تعیین می‌شود. باید توجه داشت که جنبش‌های امروزی مهاجران یک عنصر اجتماعی غیرقابل تفکیک در ساخت مرزهای جهانی‌اند (Mezzadra and Neilson, 2003: 8). و نکته چهارم و پایانی اینکه انسان دوستی مندرج در مرزهای بشردوستانه در ارتباط با قدرت است. از نظر والترز، انسان دوستی معاصر همراه و همدست راهبردهای دولتی امنیت و کنترل است. در واقع همان‌طور که هارت^۱ و نگری^۲ انسان دوستی معاصر را در چارچوب سپهر سیاسی نظم جهانی نوین غوطه‌ور می‌دانند؛ به طوری که حتی مشارکت بازیگران غیردولتی به ظاهر بی‌طرفی همچون عفو بین‌الملل یا پزشکان بدون مرز در اتفاقات اضطراری جهان در قالب مداخلات اخلاقی نیز در این چارچوب قابل ارزیابی است (نکته به: هارت و نگری، ۱۳۹۸).

^۱. Michael Hardt

^۲. Antonio Negri

۴- مرزهای بشردوستانه و نقض حقوق بشر

طی چند سال گذشته رسانه های جمعی و بازیگران سیاسی و به ویژه جنبش های نوظهور پوپولیستی راست گرا، با تبلیغات گسترده خود، احساس وحشت و ترس ناشی از بحران شدید مرزی در دموکراسی های غربی را که ناشی از افزایش یکباره تعداد مهاجران و پناهندگان به مرزهای این کشورها از سال ۲۰۱۵ به بعد بوده است، را گسترش داده اند. این موضوع در عمل به تشدید سیاست های امنیتی این کشورها انجامیده است.

«با آشکار شدن ناکارآمدی سیستم پناهندگی اروپا به ویژه در پیشگیری از مهاجرت و پناهندگی، در کنار ناکارآمدی سیاست های طرد و اخراج مهاجران که به طور فزاینده ای امنیت مهاجران را از بین برده است، مفهوم «مرزهای بشردوستانه» به عنوان مناطقی که در آن اقدامات کمک و نجات پناهندگان با قوانین و سیاست های اخراج پناهندگان در هم آمیخته می شوند، با هدف تعدیل روایت بحران پناهندگان ظهور و بروز پیدا کرد» (Kallio et al., 2019: 5). «درون این چارچوب، مرز بشردوستانه زمانی پدیدار می شود که عبور از گذرگاه مرزی کشورهای توسعه یافته برای هزاران مهاجر به موضوع مرگ و زندگی بدل شده است. در این هنگام مرز بشردوستانه به مثابه راهی برای اداره این وضعیت نوظهور و آزار دهنده و جبران خشونت اجتماعی تجسم یافته در رژیم کنترل مرزی کشورهای میزبان تبلور می یابد» (Walters, 2010: 138-139). در این ارتباط مشخصا مفهوم بشردوستانه خود تابعی از قدرت و سیاست کشورهای موجد آن است و این سیاست و منافع ملی کشورهاست که مرزهای بشردوستانه را تعیین می کند» (De Lauri, 2018: 3).

به تعبیر فاسین «سیاست شفقت، سیاستی از نابرابری است» (Fassin, 2007: 150) و کشورهای ایجاد کننده مرزهای بشردوستانه در عین ابراز همدردی با مهاجران و پناهجویان، ضمن نجات جان آنها، حقوق نابرابری را به آنها تحمیل می کنند. به عنوان مثال ایجاد مرزهای بشردوستانه در مرزهای کشورهای اروپایی اگر چه از یک سو تداعی کننده مفهوم «انسان دوستانه کردن اروپا» است اما همزمان شرایط جدید رنج بشردوستانه را نیز به همراه دارد، چرا که با افزایش موانع مرزی، افزایش مراکز بازداشت مرزی، تشدید گشت زنی، و از آن مهم تر خارجی سازی مرزهای اروپایی و القای سیاست های طرد و اخراج و عدم پذیرش پناهندگان به عنوان اقدامات کنترلی دلسوزانه در راستای پاسخگویی به اصطلاح بحران و ناامنی برآمده از سیل مهاجران و پناهجویان به مرزهای این کشورها که ساخته و پرداخته جریان های پوپولیستی راست گرای این کشورهاست.

لذا امروزه «رابطه متقابل میان عملیات های جستجو و گشت زنی و نجات بشردوستانه با

^۱. Didier Fassin

^۲. خطاب ساختن مهاجران به عنوان «دیگری» در راستای تثبیت امتیازات خود بر آنان که نوعی نژادپرستی جدید را به همراه دارد.

عملکردهای دولت‌های اروپایی پدیده ای را در قلمرو اروپا تحت عنوان نظامی‌گری بشردوستانه بازتولید می‌کند که در بهترین حالت عبارتست از: همپوشانی متناقض نمای امداد و نجات پناهجویان با نظامی‌سازی جهانی» (De Lauri, 2018: 4)؛ «موضوعی که اخلاق بشردوستانه را با نظامی‌سازی ترکیب می‌کند و تلاش دارد دوگانگی کاذبی میان «امنیتی‌سازی با بشردوستی» ایجاد کند» (Perkowski, 2016: 334).

به نظر می‌رسد بحران‌ها همواره تجارت خوبی برای بازیگران دولتی و بین‌المللی هستند تا به واسطه آنها زیرساخت و اسباب و لوازم امنیتی‌سازی بیشتر را فراهم آورند. چرا که هر چه بیشتر در معرض بحران باشیم، ساختارهای امنیتی پیچیده تری از سوی بازیگران دولتی و بین‌المللی پدیدار می‌شود. «امروزه نیز بحران، رگ حیات سیستم بشردوستانه را تشکیل می‌دهد. چرا که هیچ بشردوستی بدون بحران وجود ندارد. تحولات اخیر جهانی هم همچون «جنگ علیه تروریسم» یا «بحران مهاجرت» به نظر می‌رسد که باعث فرایند بین‌المللی‌سازی از یک سو و خصوصی‌سازی امنیت در جهان از دیگر سو شده است؛ چرا که علیرغم گسترش بحران‌ها، به جای به حاشیه رانده شدن دولت، با ظهور مجدد ایدئولوژی‌های پوپولیستی، دولت-ملت به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از جهانی‌سازی امنیت همراه بوده است، چون اجراء و تأمین امنیت همواره یکی از وظایف انحصاری دولت-ملت‌ها بوده است. در همین راستا بحران‌سازی تاکتیکی است که توسط اتحادیه اروپا به منظور اداره و کنترل جمعیت سیار مهاجران از طریق ایجاد مرزهای بشردوستانه و ایجاد فضاهای استثنائی مراکز بازداشت ایجاد شده است» (Debono, 2019: 57).

به نظر می‌رسد که «بشردوستانگی در مرزهای اروپایی، راهی برای جبران خشونت تبلور یافته در رژیم کنترل مرزی اروپا است. گسترش سیاست امنیتی‌سازی در اروپا که اثرات آن، دوام و ثبات نهادهای دموکراتیک را تضعیف می‌کند، اتهام زنی به مهاجران و جرم‌انگاری آنان را بیشتر و اخراج آنها را تسهیل تر می‌کند و یک انسان دوستی جدید را در مرزهای مدیترانه به نمایش می‌گذارد» (Moreno Lax, 2018: 120). «مدلی از انسان دوستی که «نجات بدون حفاظت» را مشروع می‌سازد؛ مهاجران را از خطرهای فوری سفرهای غیرقانونی در امان می‌دارد اما فرصت‌های واقعی برای کسب حقوق اساسی شان را به آنها دهد» (Moreno Lax, 2017: 2). حال آنکه درک درست و قانونمند از حقوق بشر شامل اعطای تمام حقوق قانونی به یک فرد شامل حق ترک کشور، حق پناهندگی و عدم بازگشت مجدد، دسترسی به محافظت کامل بدون آسیب جسمی، حفظ اصل کرامت و برابری و ... می‌باشد و باید شرایطی فراهم شود که مهاجران مجبور به بازگشت به بدبختی نشوند.

به نظر می‌رسد «آنچه در عمل در مرزهای بشردوستانه اروپایی اتفاق افتاده است، در هم آمیختن امنیت مرزی با امنیت انسانی است که بر افزایش مشروعیت اقدامات نیروهای امنیتی افزوده است.

در نتیجه این امر، اداره بشردوستانه، مراقبت از طریق کنترل و کنترل از طریق مراقبت را به نام و به بهانه حفظ جان و کاهش رنج مهاجران برعهده می‌گیرد» (Fassin, 2007: 151). «در رژیم مرزهای بشردوستانه همدردی - به جای حقوق قانونی- دلایل اخلاقی مدیریت مرزهای بشردوستانه و مُسکن نیازهای مطبوعاتی و تخلف از وسعت تعهدات رسمی هستند» (Moreno Lax, 2017: 4).

از آنچه گفته شد این امر برداشت می‌شود که آنچه که والترز آن را مرزهای بشردوستانه می‌نامد، افزایش امن سازی خشونت آمیز مهاجرت است که با ظهور همزمان کمک‌های بشردوستانه و امنیتی‌سازی همراهی و حمایت می‌شود و سیاست‌های «کمک به بازگشت» بی توجه به حقوق اساسی پناهندگان، بخش عمده ای از گرایش این نوع از مرز را در بر می‌گیرد. لذا کمک به بازگشت بخشی از بشردوستانه سازی مرزها از طریق پیوند مراقبت/امنیت را تشکیل می‌دهد.

فاسین نشان می‌دهد که چگونه «عقل انسان دوستانه» یعنی احساسات اخلاقی بالاتری مانند احترام به زندگی و تسکین آلام که از طریق امداد و نجات اعمال می‌شود، به بخشی از سیاست و حکومت تبدیل شده که فاقد شناخت دیگری لویناسی است (Fassin, 2012)؛ «جایی که امری در من، من را در نسبت با دیگری مورد پرسش دائمی قرار می‌دهد و ساختار اصلی سوژه را مسئولیت وی در برابر دیگران می‌داند» (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۹۷)؛ (Jamshidi, 2015: 97). تحقیقات هم نشان می‌دهد که مداخلات انسان دوستانه که علی‌الظاهر تمرکز بر جان انسان‌ها دارد همزمان برای پوشاندن خشونت مرزها کاربرد دارد. لذا «انسان دوستی مطروحه یک فرایند کامل برای نجات جان انسان‌ها نیست بلکه در عمل به سمت ساختارهای قدرت شیب دارد. در این فرایند دست قدرت و دست‌های دلسوز همیشه قابل تشخیص نیستند چرا که هر سیاست کمکی و حمایتی، همزمان یک ابزار کنترل برای ذینفعان آن است» (Bendixsen, 2020: 110). لذا «سیاست‌ها و اقدامات بشردوستانه که باید درد و رنج انسان‌ها را تسکین دهد، در نهایت سیاسی هستند و در عمل توجیه گر خشونت اند» (Bendixsen, 2020: 111). در نتیجه، شیوه‌ی فعلی اجرای رژیم مرزها (در اروپا) از طریق یک فرایند همزمان امنیتی‌سازی و بشردوستانه به اجرا در می‌آیند که در آن مهاجران همزمان هم به عنوان قربانیان قاچاق و هم تهدیدی برای امنیت ملی این کشورها محسوب می‌شوند. این امر باعث می‌شود تا در عین نجات جان انسان‌ها، قانوناً آنها را از حقوق خود محروم سازند.

رژیم مرزهای خارجی اتحادیه اروپا در دریای مدیترانه یک نمونه کلاسیک مرزهای بشردوستانه است که اگرچه برای رسیدگی به نیازهای بشردوستانه ایجاد شده است؛ اما در اصل بر اساس منافع امنیتی طراحی گردیده‌اند. اگر چه ظاهراً برای حفظ جان پناهندگان و مهاجران در اروپا آغاز شد؛ ولی در عمل ثبت و فیلتر کردن مهاجرانی که به صورت نامنظم وارد ایتالیا می‌شدند را در دستور کار خود قرار داد. «نظام مرزهای بشردوستانه که به پارادایم مرکزی رژیم مرزی اروپا تبدیل شده است، سیستمی است که به نجات جان انسان‌ها می‌پردازد اما با ایجاد ممنوعیت‌ها و این ممنوعیت‌ها

اسباب ضروری نجات شناخته می‌شوند. این نجات از طریق ممنوعیت، ماهیت حقوق انسان را تغییر می‌دهد و به ابزاری برای امن سازی همزمان با بشردوستی عمل می‌کنند» (DEBONO, 2019: 57).

نگاهی به گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری نیز حاکی از آنست که علیرغم تحسین اولیه مرزهای بشردوستانه، خشونت سیستماتیک مرزی در آنها به چشم می‌خورد و فضاها کمپ‌ها به شدت غیرانسانی است و پناهندگان در این مرزها در معرض خطر مرگ قرار دارند. «آنچه این وضعیت را توجیه می‌کند بحران سازی و استفاده از مفهوم بحران پناهندگان در مرزها بویژه در مرزهای کشورهای اتحادیه اروپاست که اغلب به راحتی توسط مقامات این کشورها به عنوان ایجاد موقعیت‌های بشردوستانه اضطراری ناشی از جریان‌های مهاجرت سیال پناهندگان معرفی می‌شوند بدون اینکه به این واقعیت اشاره شود که سیاست‌های اتحادیه اروپا، خود مستقیم یا غیر مستقیم در پیدایش این بحران‌ها تأثیرگذار بوده است. بدین سان روایات اخلاقی بر روابط قدرت دلالت دارند و آنها را تولید می‌کنند. سیاست شفقتی که در گام نخست و در سطح فردی ممکن است مفید انگاشته شود در عمل به سیاستی از نابرابری تبدیل می‌شود و دامنه وسیع مطالبات مبتنی بر حقوق اولیه انسانی را تضعیف می‌کند. لذا به دوگانگی شفقت در مقابل حقوق می‌انجامد» (Schmelter, 2020: 94).

اروپاییان رویکرد مراقبت و کنترل را ریاکارانه در قالب بشردوستی برای جهانیان تکرار می‌کنند تا بدین ترتیب مفاهیم بشردوستانه پوششی برای منافع امنیتی آنها و غیرانسانی کردن هر چه بیشتر وضعیت مهاجران باشد. کنترل و بشردوستی در مرزهای بشردوستانه دو روی یک سکه هستند و نهادینه کردن نابرابری و ایجاد مفهوم «دیگری» در مواجهه اروپاییان با مهاجران بخشی جدایی ناپذیر از این مفهوم است. در مدیریت بشردوستانه مرزها، خودسری دولت‌ها تنها به کمپ‌های نگهداری محدود شوند بلکه به عنوان یک منطق حاکم در زندگی روزمره اجتماعی نفوذ می‌کنند و دسترسی به حقوق اولیه و بشری را به یک مبارزه روزانه مهاجران تبدیل می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان شد، نیاز است امروز بسوی تدوین چارچوب مفهومی مطلوب مرزهای بشردوستانه در جهان حرکت شود. از اواسط دهه ۲۰۱۰ میلادی و همزمان با افزایش حرکت مهاجران به سمت مرزهای اروپا، نگاه خاص امنیتی در گفتمان سیاسی اتحادیه اروپا با محوریت و تمرکز بر بسته شدن مرزها نفوذ پیدا کرده است که بر اساس آن رهبران سیاسی راست‌گرای اروپایی اغلب مهاجران غیرقانونی را جنایتکارانی می‌پندارند که نباید در قلمرو اتحادیه اروپا پذیرفته شوند و در این زمینه سیاست‌های طرد و اخراج و بسته شدن مرزها را پیگیری می‌کنند.^۱ درون این گفتمان، مهاجرت آشکارا به عنوان یک بحران و تهدیدی برای امنیت ملی در نظر گرفته می‌شود و در مواجهه

^۱ در پیگیری همین سیاست دولت آلمان در ۲۱ آگوست ۲۰۲۲ اعلام کرد که در شش ماه نخست سال، ۶ هزار و ۱۹۸ پناهنده به کشورشان بازگردانده شده‌اند.

میان امنیت در برابر حفاظت و مراقبت از مهاجران، کفه ترازو به سمت امنیت سنگینی می‌کند. حال آنکه حفاظت از جان مهاجران، از دیرباز یکی از اهداف قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بشری و بین‌المللی بوده است. به‌علاوه مهاجرت همان‌گونه که به مسائل مربوط به امنیت دولتی و ملی مرتبط است با موضوع امنیت انسانی هم مرتبط است.

«امنیت انسانی متضمن توجه به امنیت فرد نسبت به دولت‌ها و رهایی از ترس و رهایی از فقر و دیگر آرمان‌های اولیه حقوق بشر است. موضوع این امنیت، حیات و کرامت انسانی و غایت آن، محافظت کردن از بنیادهای اصلی حیات نوع بشر در مقابل تهدیدهای فراگیر و تأمین مصالح درازمدت زندگی انسانی است» (خسروی و خلوصی، ۱۳۹۶: ۷۴)؛ (Khosravi, Kholusi, 2016: 74)

از این رو «در تلاقی تلاش‌های انسان دوستانه و امنیتی‌سازی، قرارداد موضوع امنیت انسانی در کانون و مرکز رژیم مرزی اتحادیه اروپا، جوهر گفتمان سیاسی بهتری است که اگر اتخاذ گردد تأمین حقوق مهاجرین را در پی خواهد داشت. در این رویکرد باید ضمن توجه به «مهاجر محوری» و محکوم کردن تهدیدات علیه امنیت انسانی، امنیت تک تک افراد انسانی مرجع تحلیل امنیت مرزی مرزها قرار گیرند و از سیاسی‌سازی مرزها جلوگیری نمود» (Panbianco, 2022: 431). به همین دلیل امنیت انسانی می‌تواند چارچوبی جامع برای توضیح فرایندهای سیاسی تأمین امنیت مرزها را ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

آنچه در مرزهای بشردوستانه اروپایی در حال اجراست شیوه جدیدی از سیاست تبعیض میان ما و دیگران است که در قالب مفاهیم بشردوستانه تجلی می‌یابد. بشردوستی همراه با کنترل، ایمن‌سازی و امنیتی‌سازی فزاینده مرزها، نقض هر چه بیشتر حقوق مهاجران و پناهندگان را به همراه داشته است و شفقت پر سر و صدای برخاسته از نجات جان انسان‌ها، وضعیت نهادینه شده‌ای از نابرابری و نژاد پرستی غیر قابل کنترل را موجب شده است که در خطاب مهاجران به عنوان «دیگری» و ایجاد شرایط عمیقاً غیرانسانی نمود ویژه‌ای می‌یابد.

در این مرزها سیاست‌ها و اقدامات بشردوستانه‌ای که باید درد و رنج انسان را تسکین دهد، در آمیخته شدن با سیاست به بخشی از توجیه نمادین خشونت فیزیکی مندرج در مرزها تبدیل می‌شوند و امنیت هر چه بیشتر مرزی به عنوان ابزاری برای افزایش امنیت مهاجران در نظر گرفته می‌شوند. لذا پیشکش کردن یک نوع غیر زندگی یا شبه زندگی به عنوان زندگی به مهاجران تمام موهبتی است که مرزهای بشردوستانه اروپایی برای مهاجران و پناهندگان به همراه داشته است. اکثر مهاجرین و پناهندگان در مرزهای اروپایی برای زیستن در آرامش و زندگی بهتر انتظار می‌کشند؛ حال آنکه بخش زیادی از آنها در عاقبت یا به زیستن رنج آوری که از آن آمده‌اند بر می‌گردند یا مجبورند یک غیر زندگی یا شبه‌زندگی را تا زمانی نامشخص بگذرانند. در مواجهه با چنین وضعیتی،

به نظر می‌رسد مؤثرترین و مطلوب‌ترین راهکار ممکن ارجحیت دادن به موضوع امنیت انسانی و حقوق انسانی در برابر رژیم مرزی سیاسی غیرانسانی است که با مرزسازی سیاسی و هویتی و فاصله‌گذاری میان «ما» و «دیگران» تبعیض و نابرابری را نهادینه می‌سازد. امنیت انسانی، تحقق واقعی حقوق راستین بشری با پرهیز از هر گونه سیاسی‌گری و منفعت طلبی است آنجا که اعتقاد به کرامت ذاتی انسان‌ها، فارغ از هر گونه رنگ و نژاد و ملیتی، به انسان‌ها برابر و یکسان می‌نگرد و برخورداری از حقوق اولیه‌شان را ارج می‌نهد.

منابع فارسی

۱. جمشیدی، م. (۱۳۹۵). لویناس و نامتناهی: پدیدارشناسی تجربه اخلاقی. *دوفصلنامه هستی و شناخت*، ۳(۱)، ۹۷-۱۱۱.
۲. خسروی، ح.، خلوصی، ت. (۱۳۹۶). امنیت انسانی در پرتو نظریه عدالت جان رالز. *دوفصلنامه حقوق اساسی*، ۱۴(۲۸)، ۶۹-۹۳.
۳. راعی، م. (۱۳۸۲). دخالت‌های بشردوستانه و حقوق بشر، معرفت، ۱۲(۷۰)، ۵۹-۶۸.
۴. رشیدی‌نژاد، ز. (۱۳۸۶). موازین و مرزهای مداخله بشردوستانه در رویه شورای امنیت. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۴(۳۷)، ۶۳-۱۰۲.
۵. کیهانلو، ف. (۱۳۹۰). *پناهندگی نظریه‌ها و رویه‌ها*. تهران: جنگل جاویدانه.
۶. هارت، م.، نگری، آ. (۱۳۹۸). *امپراتوری؛ تبارشناسی جهانی شدن*. ترجمه رضا نجف زاده. تهران: نشر قصیده سرا.

English References

1. Albahari, M. (2006). *Death and the Modern State: Making Borders and Sovereignty at the Southern Edges of Europe*. California: Centre for Comparative Immigration Studies.
2. Andreas, P., Biersteker, T J. (2003). *The Rebordering of North America: Integration and Exclusion in a New Security Context*. New York: Routledge
3. Barnett, M., Weiss, T. (2011). *Humanitarianism Contested: Where Angels Fear to Tread*. New York: Routledge. doi.org/10.4324/9780203829301
4. Bendixsen, S. (2020). The Care/Security Nexus of the Humanitarian Border: Assisted Return in Norway. *International Migration*, 58(6), 108-122. doi.org/10.1111/imig.12630
5. De Lauri, A. (2018). *Humanitarian borders: The merging of rescue with security and control*. Bergen: Chr. Michelsen Institute (CMI). at: <https://9pdf.net/document/y6e0192n-cmi-briefdecember-number.html>
6. Debono, D. (2019). Narrating The Humanitarian Border: Moral Deliberation of Territorial

- Border workers at The EU'S Mediterranean Border. *Journal of Mediterranean Studies*, 28(1), 55-73.
7. Dijstelbloem, H., Van der Veer, L. (2019). The Multiple Movements of the Humanitarian Border: The Portable Provision of Care and Control at the Aegean Islands. *Journal of Borderlands Studies*, 36(1), 425-442. doi.org/10.1080/08865655.2019.1567371
 8. Fassin, D. (2012). *Humanitarian Reason. A Moral History of the Present*. California: University of California Press.
 9. Fassin, D. (2007). Humanitarianism as a Politics of Life. *Public Culture*, 19(3), 499-521.
 10. Kallio, K P., Häkli, J., Pascucci, E. (2019). Refugeeness as political subjectivity: Experiencing the humanitarian border. *Environment and Planning C Politics and Space*, 37(7), 1258-1276. doi.org/10.1177/2399654418820915
 11. Moreno-Lax, V. (2017). *Accessing Asylum in Europe*. Oxford: Oxford University Press.
 12. Moreno-Lax, V. (2018). He EU Humanitarian Border and the Securitization of Human Rights: The Rescue-Through-Interdiction/Rescue-Without-Protection Paradigm. *Journal of Common Market Studies*, 56(1), January, 119-140. doi.org/10.1111/jcms.12651
 13. Novak, P. (2022). Re-producing the Humanitarian Border. *Geopolitics*, 1-23. doi: 10.1080/14650045.2022.2105699
 14. Panebianco, S. (2022). Human security at the Mediterranean borders: humanitarian discourse in the EU periphery. *International Politics*. volume 59(3), 428-448
 15. Perkowski, N. (2016). Deaths, Interventions, Humanitarianism and Human Rights in the Mediterranean Migration Crisis. *Mediterranean Politics*, 21(2), 331-5. doi.org/10.1080/13629395.2016.1145827
 16. Schmelter, S. (2020). Migration Struggles Along the Humanitarian Border: Syrian Displacement in Lebanon and Ways to Travel to Europe. *Ethnologia Europaea*, 50(2), 91-108. doi.org/10.16995/ee.1182
 17. Ticktin, M. (2016). Thinking Beyond Humanitarian Borders. *Social Research*, 83(2), 255-271.
 18. UNHCR. (2022). A record 100 million people forcibly displaced worldwide. UN News, at: <https://news.un.org/en/story/2022/05/1118772>
 19. Walters, W. (2010). Foucault and frontiers: notes on the birth of the humanitarian border. at Ulrich Bröckling, Susanne Krasmann & Thomas Lemke (eds.). *Governmentality:*

Current Issues and Future Challenges. New York: Routledge.

Translated References to English

1. Albahari, M. (2006). *Death and the Modern State: Making Borders and Sovereignty at the Southern Edges of Europe*. California: Centre for Comparative Immigration Studies.
2. Andreas, P., Biersteker, T. J. (2003). *The Rebordering of North America: Integration and Exclusion in a New Security Context*. New York: Routledge
3. Barnett, M., Weiss, T. (2011). *Humanitarianism Contested: Where Angels Fear to Tread*. New York: Routledge. doi.org/10.4324/9780203829301
4. Bendixsen, S. (2020). The Care/Security Nexus of the Humanitarian Border: Assisted Return in Norway. *International Migration*, 58(6), 108-122. doi.org/10.1111/imig.12630
5. De Lauri, A. (2018). *Humanitarian borders: The merging of rescue with security and control*. Bergen: Chr. Michelsen Institute (CMI). at: <https://9pdf.net/document/y6e0l92n-cmi-briefdecember-number.html>
6. Debono, D. (2019). Narrating The Humanitarian Border: Moral Deliberation of Territorial Border workers at The EU'S Mediterranean Border. *Journal of Mediterranean Studies*, 28(1), 55-73.
7. Dijstelbloem, H., Van der Veer, L. (2019). The Multiple Movements of the Humanitarian Border: The Portable Provision of Care and Control at the Aegean Islands. *Journal of Borderlands Studies*, 36(1), 425-442. doi.org/10.1080/08865655.2019.1567371
8. Fassin, D. (2007). Humanitarianism as a Politics of Life. *Public Culture*, 19(3), 499-521.
9. Fassin, D. (2012). *Humanitarian Reason. A Moral History of the Present*. California: University of California Press.
10. Hart, M., Negri, A. (2018). *Empire; Genealogy of Globalization*. translated by Reza Najafzadeh. Tehran: Qhaseida Sara Publishing. **(In Persian)**
11. Jamshidi, M. (2015). Levinas and the Infinite: Phenomenology of Moral Experience. *Journal of Existence and Knowledge*, 3(1). **(In Persian)**
12. Kallio, K P., Häkli, J., Pascucci, E. (2019). Refugeeness as political subjectivity: Experiencing the humanitarian border. *Environment and Planning C Politics and Space*, 37(7), 1258-1276. doi.org/10.1177/2399654418820915

13. Kayhanlou, F. (2011). *Asylum of theories and practices*. Tehran: jangal Javidaneh. **(In Persian)**
14. Khosravi, H., Kholusi, T. (2016). Human security in the light of John Rawls's theory of justice, *bi-quarterly journal of constitutional rights*, 14(28). **(In Persian)**
15. Moreno-Lax, V. (2017). *Accessing Asylum in Europe*. Oxford: Oxford University Press.
16. Moreno-Lax, V. (2018). He EU Humanitarian Border and the Securitization of Human Rights: The Rescue-Through-Interdiction/Rescue-Without-Protection Paradigm. *Journal of Common Market Studies*, 56(1), January, 119-140. doi.org/10.1111/jcms.12651
17. Novak, P. (2022). Re-producing the Humanitarian Border. *Geopolitics*, 1-23. doi: 10.1080/14650045.2022.2105699
18. Panebianco, S. (2022). Human security at the Mediterranean borders: humanitarian discourse in the EU periphery. *International Politics*. volume 59(3), 428-448
19. Perkowski, N. (2016). Deaths, Interventions, Humanitarianism and Human Rights in the Mediterranean Migration Crisis. *Mediterranean Politics*, 21(2), 331-5. doi.org/10.1080/13629395.2016.1145827
20. Raie, M. (2003). Humanitarian interventions and human rights. *Marifat*, 12(70), 68-59. **(In Persian)**
21. Rashidinejad, Z. (2007). Standards and limits of humanitarian intervention in the procedure of the Security Council. *International legal journal*, 24(37), 63-102. **(In Persian)**
22. Schmelter, S. (2020). Migration Struggles Along the Humanitarian Border: Syrian Displacement in Lebanon and Ways to Travel to Europe. *Ethnologia Europaea*, 50(2), 91-108. doi.org/10.16995/ee.1182
23. Ticktin, M. (2016). Thinking Beyond Humanitarian Borders. *Social Research*, 83(2), 255-271.
24. UNHCR. (2022). A record 100 million people forcibly displaced worldwide. UN News, at: <https://news.un.org/en/story/2022/05/1118772>
25. Walters, W. (2010). Foucault and frontiers: notes on the birth of the humanitarian border. at Ulrich Bröckling, Susanne Krasmann, T.L. (eds.). *Governmentality: Current Issues and Future Challenges*. New York: Routledge.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی